مجموعه‌ سخنرانی‌های هدفمند اسلامی(2)

توحید محور زندگی

اثری از:

دکتر عمر سلیمان اشقر

## b4

## فهرست موضوعات

[پیشگفتار 1](#_Toc229980856)

[توحید محور زندگی 3](#_Toc229980857)

[جرقه‌ی امید 3](#_Toc229980858)

[شما وارث پیامبران هستید 9](#_Toc229980859)

[مسؤلیت شما چیست؟ 9](#_Toc229980860)

[شناخت خدا منشأ پرورش نفس 13](#_Toc229980861)

[ایمان به‌ خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت 23](#_Toc229980862)

[«خداوند» محور همه فعالیتها 25](#_Toc229980863)

[توحید محور و مدار قرآن است 31](#_Toc229980864)

[کسی که‌ خدا را ندارد هیچ چیزی ندارد 31](#_Toc229980865)

[توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است 35](#_Toc229980866)

[شرک هنوز هم ماندگار است 35](#_Toc229980867)

[شرکی که‌ امروز بسیار رایج است 35](#_Toc229980868)

[نشانه های یکتاپرستی 39](#_Toc229980869)

# پیشگفتار

**الحمد لله‌ رب العالمین، و الصلاة و السلام علی المبعوث رحمة للعالمین، و علی آله‌ و صحبه‌ الطیبین الطاهرین، و علی من اهتدی بهدیهم، و اتبع سبیلهم الی یوم الدین.**

اگر هدف و انگیزه‌ی بعثت آخرین پیام آسمانی را به‌ دقت مورد بحث و تحقیق قرار دهیم، یقین می یابیم که‌ محور آن توحید و یکتاپرستی است، بلکه‌ می‌فهمیم که‌ توحید و یکتاپرستی محور تمامی پیامهای آسمانی و همچنین محور حقیقی زندگی انسان می‌باشد؛ پس ارزش حقیقی انسان وقتی متجلی و نمایان می‌گردد که‌ پروردگارش را به‌ عنوان محور زندگی خود قرار داده‌ باشد:

ﭽ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﭼ الأنعام: ١٦٢

(بگو: نماز و عبادت و زيستن و مردن من از آن خدا است كه پروردگار جهانيان است)

و لذا حرکت انسان با حرکت جهان هستی هماهنگ می‌شود، زیرا جهان فرمانبردار فرامین الهی، در اختیار قدرت او و مشغول تمجید و ستایش وی است؛ پس هرگاه بنده‌ در برابر پروردگارش قد علم کرده و به‌ انحراف و کژی روی آورد، به‌ نغمه‌ و آهنگی ناهمخوان با این جهان پهناور و شگفت‌انگیزی که‌ دنباله‌رو فرامین خدای یکتا است، تبدیل می‌گردد.

این نوشتار ابتدا در تاریخ 18 تا 20 دسامبر 1980 به‌ مناسبت سالگرد بیست ساله‌ی انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا و ایرلند به‌ عنوان سخنرانی ارائه‌ شد؛ و به‌ توضیح و تبیین قضیه‌ی (توحید خداوند تبارک و تعالی) پرداخته‌ که‌ مدار زندگی فرد مسلمان و جامعه‌ی مسلمان است.

لازم است که‌ دعوتگران، نویسندگان و مدرسین با استفاده‌ از وسائل و روشهای گوناگونی به‌ توضیح و روشن سازی این مسأله‌ بپردازند، زیرا فهم و یادگیری این قضیه‌ بر هر فردی از جامعه‌ی بشری واجب و ضروری است، در غیر این‌صورت موجب خسارتمندی دنیا و آخرت می‌شود.

از درگاه ایزد منان خواهانیم که‌ بر ما منت گذاشته و دینی مخلصانه‌ و عمل به‌ فرامینش را به‌ ما عطا فرماید، زیرا او بهترین فرمانروا و یاری ‌رسان است.

# توحید محور زندگی

**إن الحمد لله‌ نحمده‌، و نستعینه‌، و نستغفره‌، و نستهدیه‌، و نعوذ بالله‌ من شرور انفسنا، و من سیئات اعمالنا، من یهده‌ الله‌ فلا مضل له‌ و من یضلل فلا هادی له‌، و اشهد ان لا اله‌ الا الله‌ وحده‌ لا شریک له‌، و اشهد ان محمدا عبده‌ و رسوله‌:**

ﭽ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭼ [[1]](#footnote-1)

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭼ [[2]](#footnote-2)

ﭽ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﭼ [[3]](#footnote-3)

أما بعد: فإن اصدق الحدیث کلام الله‌، و خیر الهدی هدی محمدص، و شر الامور محدثاتها، و کل محدثة بدعة، و کل بدعة ضلالة، و کل ضلالة فی النار.

## جرقه‌ی امید

برادران و خواهران گرامی! چنانکه‌ مستحضر هستید ظلم و ستم، جهان را در بر گرفته‌ و در راه نابودی آن قدم برداشته‌ است، بدانید که‌ تنها جرقه‌ای که‌ برای رفع و از بین بردن آن، بدان دل بسته‌ می‌شود شما جوانان مشرق و مغرب زمین هستید که‌ به‌ خداوند ایمان آورده و در راه‌ آن تلاش ورزیده‌اید.

امروزه جامعه‌ی بشری از لحاظ علوم تجربی به‌ قله‌ی رفیعی دست یافته‌ است؛ با توجه‌ به‌ اینکه‌ در هوا به‌ پرواز افتاده‌ و به‌ اعماق زمین فرو رفته‌ و اسرار فراوانی را کشف نموده‌، اما از لحاظ علوم انسانی، اسرار زندگی و راه رسیدن به‌ خدا در جهالت و نادانی عمیقی بسر می‌برد؛ از این‌رو ممکن است آن علوم تجربی‌ای که‌ کسب نموده‌ به‌ بلای خانمانسوزی تبدیل گشته و بشریت را به‌ نابودی بکشاند.

هنوز انسان خود را نشناخته‌ و راه سعادت و خوشبختی را یاد نگرفته‌، مردم از وحی الهی دور گشته‌ و در پی سعادت و آرامش هستند، اما راه رسیدن بدان را نمی‌دانند، ایشان مانند کسی هستند که‌ در بیابانی گسترده‌ و بی راه و نشان به‌ راه افتاده‌ است، آنها خود کورکورانه‌ و بدون راهنما به‌ راه افتاده‌اند، پس چگونه‌ به‌ راهی دست می‌یابند که‌ آنها را به‌ هدف مورد نظر برساند.

خداوند برای راهنمای بشریت و شناسایی راههای رسیدن به‌ ساحل امنیت و صراط مستقیم پیامبرانی را ارسال فرمودند، اما متأسفانه‌ امروزه بشریت تعالیم و آموزه‌های انبیا را فرو نهاده‌ و از دنبال کردن راه و منش آفریننده و اله‌ خود تکبر ورزیده‌ است، سرانجام با آن تیره‌روزی و بلایی دچار شده‌ که‌ مردم در درون خود آن‌را احساس می‌کنند و بر خطوط گونه‌هایشان تأثیر گذاشته‌ است. به‌ خدا سوگند آثار این تیره‌روزی را در صورت قوم و ملت این سرزمینی[[4]](#footnote-4) که‌ از آئین و برنامه‌ی الهی روی‌گردان شده‌ به‌ وضوح درک می‌کنم. و این، حال و وضع هر ملتی است که‌ از منهج خداوند پشت کرده‌ و به‌ قوانین بشری روی آورده‌ است، اما جز کسانی که‌ از جاهلیت آنها بیرون آمده‌ هیچ کسی از این تیره‌روزی و بدبختی آگاهی ندارد.

لازم به‌ یادآوری است که‌ محمد اسد[[5]](#footnote-5) نیز بعد از اسلام آوردنش همانند بنده‌ به‌ این تیره‌روزی جامعه‌ی بشری پی بردند و از آن پرده‌ برداشتند، آنگاه که‌ کتابی تحت عنوان «الطریق الی مکه‌« را به‌ نگارش درآوردند و در چاپ بعدی عنوان کتاب را به‌ «الطریق الی الاسلام» تغییر دادند.

بیماری‌های درونی و روانی، نشانی از عصر امروز است، دانشمندان روانشناسی و جامعه‌ شناسی از یافتن راه‌حلی جهت نجات مردم از این‌‌گونه‌ بیماریها نومید گشته‌اند و راهی نمی‌یابند، بلکه‌ روانشناسان و جامعه‌ شناسان بسیاری هستند که‌ خود نیز از دست این بیماری می‌نالند، پس چگونه‌ می‌توانند مردم را از دردی نجات بخشند که‌ خود بدان مبتلا هستند!!

بعد از اینکه‌ با یکی از جامعه‌شناسان مدرسه‌ای ارتباط و علاقه پیدا کردم از مشکلات و ناراحتیهایی برایم تعریف کرد که‌ درون او را دربر گرفته‌ و بر قلبش چیره‌ شده‌ بود، ایشان یاداور شدند که‌ روز روشن را تیره‌ و ناهموار می‌بیند و شب را به‌ بیداری سپری می‌کند، و برای رهایی از این بیماری جز استفاده‌ از افسون و طلسمهای مادربزرگم هیچ راه‌حل دیگری را نمی‌بینم که‌ آن را زیر بالشم می‌گذارم و بعد می‌‌خوابم.

شما را به‌ خدا سوگند می‌دهم به‌ من بگویید کسی که‌ خود چنین حالی دارد چگونه‌ می‌تواند مشکلات دیگران را بگشاید؛ و اگر ارتباطی نیکو را با خدا برقرار می‌کرد و ساعتی را با ذکر خدا سپری می‌نمود قلبی سرشار از اطمینان و روانی آرام را به‌ دست می‌آورد.

ﭽﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌﰍﰎ ﰏ ﰐﰑ ﰒ ﰓ ﰔﭼ[[6]](#footnote-6)

(آن كساني كه ايمان مي‌آورند و دلهايشان با ياد خدا سكون و آرامش پيدا مي‌كند. هان! دلها با ياد خدا آرام مي‌گيرند)

لازم به‌ ذکر است که‌ تنها کشورهای عقب افتاده‌ و تهی‌دست دچار غم و ناراحتی و مشکلات درونی نیستند، بلکه‌ این کشورهای مدعی پیشرفت و تمدن هستند که‌ از دست مشکلات روانی می‌نالند. مردم این دیار از زندگی لذت نمی‌برند و زندگی را سبک و بی‌ارزش می‌انگارند و خود را فرومایه‌ تلقی می‌کنند، از این رو دختر و پسرهای منحرفی در این‌گونه‌ جوامع به‌ وجود می‌آیند، چنانکه‌ مظاهر آن را در افرادی بزدل و فرومایه‌ مشاهده‌ می‌کنیم، کسانی که‌ به‌ خاطر فرار از واقعیت و مشکلات عدیده‌ای که‌ پیرامون او را در بر گرفته‌ به‌ مواد مخدری روی آورده‌اند که‌ عقلشان را می‌گیرد و توان و نیرویشان را تهدید به‌ نابودی می‌نماید؛ واقعیت این است که‌ برخی اوقات مشکلات و سختیهای دامنگیر، این افراد را به‌ درجه‌ای می‌رساند که‌ می‌خواهند بر قله‌ی رفیعی بروند و خود را به‌ قتل برسانند. براستی که‌ خبر دیروز مرا آشفته‌ و پریشان کرد، آن خبری که‌ راجع به‌ تظاهرات پرهیاهویی خواندم که‌ صدها هزار نفر در آن شرکت داشتند، لازم است بدانید که‌ تظاهرات به‌ خاطر اشغال افغانستان نبوده‌ است که‌ مردم آن دیار با مصایب و بلاهای گوناگونی مواجه‌ هستند، و به‌ خاطر مرگ و میر صدها هزار شهروند هندی نیست که‌ از گرسنگی جان می‌سپارند، و به‌ خاطر پایمالی حقوق انسان در بسیاری از نقاط جهان هم نبوده‌ است، بلکه‌ به‌ خاطر خودکشی یک آواز خوان بوده‌ که‌ از زندگی بیزار شده‌ و خود را به‌ قتل رسانده‌، و پاره‌ای از آنها پریشانی خود را تنها با تظاهرات نمایان نکردند، بلکه‌ دو نفر از آنها نیز به‌ خاطر وی خود را به‌ قتل رساندند!!! این چه‌ ارزشی است؟ و این چه‌ ارمغانی است؟ این یک زندگی بی‌ارزشی است که‌ افراد فرومایه‌ را بزرگ می‌پندارد، و زندگی را با غم و غصه‌ پیرامون این بی‌مایه‌ها می‌گذراند، این کجا و آن مسلمانی کجا که‌ تنها به‌ فرمان خدا حرکت می‌کند و از نافرمانی وی پرهیز می‌نماید، آن مسلمانی که‌ مرگ و زندگیش را وقف پروردگار خویش گردانیده‌ است!!

ﭽ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﭼ [[7]](#footnote-7)

(بگو: نماز و عبادت و زيستن و مردن من از آن خدا است كه پروردگار جهانيان است؛ خدا را هيچ شريكي نيست، و به همين دستور داده شده‌ام، و من اوّلين مسلمان (در ميان امت خود، و مخلص‌ترين فرد در ميان همه انسانها براي خدا) هستم.)

لازم است بدانیم که‌ این تظاهر کنندگانی که‌ دست به‌ خود کشی زده‌اند متعلق به سرزمینی عقب افتاده‌ نبودند، بلکه‌ فرزندان کشور متمدنی همچون آمریکا می‌باشند؛ این قضیه‌ مرا به‌ یاد حادثه‌ی پس از مرگ آواز خوان معروف مصری (عبدالحلیم حافظ) می‌اندازد که‌ بدنبال مرگ وی چهار نفر خود را به‌ قتل می‌رسانند.

دوستان! به‌ زندگی مردم این دیار نگاه کنید!!! آیا امنیت و آرامشی را برای آن احساس می‌کنید؟ هرگز، هرگز؛ کسی که‌ کانالهای تلویزیونی را دنبال کرده و روزنامه‌ را مطالعه‌ ‌نماید و به‌ اخبار گوش فرا ‌دهد، می‌تواند درجه‌ و حد نهایی این جریمه‌ را درک کند که‌ باعث آشفتگی مردم شده‌ و ترس و هراس را در درون آنها ایجاد نموده‌ است، هر روز خون کسی ریخته‌ می‌شود تا از زندگی سخت و پرهیاهوی‌ مردم پرده‌ بردارد.

# شما وارث پیامبران هستید

برادران! شما امید امروز بشریت هستید همچنان‌که‌ گذشتگان امید عصر خود بوده‌اند، شما پیروان کاروانی نیستید که‌ امتداد آن هزار و چهارصد سال باشد، بلکه‌ امتداد قافله‌ای هستید که‌ تاریخ آن به‌ دورانهای بسیار بعیدی بازمی‌گردد، شما پیروان پیامبران معزز و انبیای الهی هستید، پیامبرانی که‌ در طول تاریخ بشریت حامل مشعل هدایت بوده‌اند، شما همان پرچمی را برفراشته اید که‌ آنها برداشته ‌بودند، شما نیز با همان باور و عقیده‌ای که‌ آنها داشتند مسیری را می‌پیمایید که‌ آنها می‌پیمودند، دوستان مسیری واحد ما را گرد هم می‌آورد که‌ محور آن خداوندگار است، پس به‌‌سوی او حرکت می‌کنیم و از هدایت وی راهنمایی می‌جوییم.

## مسؤلیت شما چیست؟

ما که‌ به‌ خدا ایمان داریم و از قانون اسلام پیروی می‌کنیم و محمد را به‌ عنوان پیامبر تأیید نموده‌ایم، در واقع نقش پیامبران و پیروان آنها در طول تاریخ بشریت را ایفا می‌کنیم، زیرا ما می‌خواهیم بشریت را از پراکندگی و گمراهی به‌ سوی پروردگاری یگانه‌ بازگردانیم، تا او را به‌ عنوان خالق و معبود خود برگزینند و از دین و آیین وی پیروی نمایند و پیامبرش را به‌ عنوان هدایتگری مژده‌‌ دهنده‌ و بیم دهنده‌ بپذیرند؛ مسئولیتی که‌ ما امروز آن‌را برداشته‌ایم همان مسئولیتی است که‌ افرادی ویژه‌ از میان سلف صالح آن‌را برداشته‌اند، و اگر ما آن را برداریم در واقع مسؤلیتی را بر دوش کشیده‌ایم که‌ آسمانها و زمین از حمل آن سرباززدند، و فرزندان آدم آن را برداشت، اما متأسفانه‌ بسیاری از آنها کوتاهی ورزیدند و از حمل آن سربرتافتند:

ﭽﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱﭼ[[8]](#footnote-8)

(ما امانت (اختيار و اراده) را بر آسمانها و زمين و كوهها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتيم (و انجام وظيفه اختياري همراه با مسؤوليّت، و انجام وظيفه اجباري بدون مسؤوليّت را بديشان پيشنهاد كرديم. جملگي آنها اجبار را بر اختيار برتري دادند) و از پذيرش امانت خودداري كردند و از آن ترسيدند، و حال اين كه انسان (اين اعجوبه جهان) زير بار آن رفت (و داراي موقعيّت بسيار ممتازي شد. امّا برخي از) آنان (پي به ارزش وجودي خود نمي‌برند و قدر اين مقام رفيع را نمي‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند).

این امانت گرانبهایی که‌ افرادی منتخب آن را برداشتند، خداوند همه‌ی پیامبرانش را جهت تبلیغ این پیام و برپا کردن آن در واقع بشریت ارسال نمودند:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭼ[[9]](#footnote-9)

(ما پيش از تو هيچ پيغمبري را نفرستاده‌ايم، مگر اين كه به او وحي كرده‌ايم كه: معبودي جز من نيست، پس فقط مرا پرستش كنيد).

ﭽ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﭼ[[10]](#footnote-10)

(ما به ميان هر ملّتي پيغمبري را فرستاده‌ايم (و محتواي دعوت همه پيغمبران اين بوده است) كه خدا را بپرستيد و از طاغوت (شيطان، بتان، ستمگران، و غيره) دوري كنيد).

لازم به‌ یادآوری است که‌ خداوند در گفتگویی با موسی این هدف را در چند کلمه‌ای خلاصه‌ نمود، آنگاه که‌ موسی از مدین بازگشت و در صحرای سینا راه را گم کرد و به‌ طرف نوری رهسپار شد که‌ از دور آن را مشاهده‌ نمود، و هنگامی که‌ به‌ آنجا رسید خداوند او را این گونه‌ فراخواند:

ﭽ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭼ[[11]](#footnote-11)

(من « الله » هستم، و معبودي جز من نيست، پس تنها مرا عبادت كن).

آری این بود فرمان خدا به‌ موسی، و به‌ همین خاطر او و سایر مخلوقات را آفریده‌ است:

ﭽ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﭼ[[12]](#footnote-12)

(من پريها و انسانها را جز براي پرستش خود نيافريده‌ام. من از آنان نه درخواست هيچ گونه رزق و روزي مي‌كنم، و نه مي‌خواهم كه مرا خوراك دهند. تنها خدا روزي‌رسان و صاحب قدرت و نيرومند است و بس).

شناخت خدا، آگاهی از وی و رویی آوردن به‌ او نقطه‌ی شروع حرکت صحیح انسان است، و انحراف از خدا و عدم آگاهی به‌ وی نقطه‌ی گمراهی و خسارتمندی در زندگی انسان می‌باشد؛ ایمان به‌ خدا زیربنایی مورد نیاز است که‌ ساختمانی سترگ روی آن بنیان می‌شود، و اگر قرار باشد زیربنایی غیر از ایمان به‌ خدا را برای آن در نظر گیرند ساختمانی معیوب و ضعیف ساخته‌ میشود که‌ هر آن ممکن است سازنده‌ را به‌ قتل رسانده و یا ساکنان آن را به‌ هلاکت بیاندازد.

# شناخت خدا منشأ پرورش نفس

شناخت خدا، نفس انسانی را از زنگار گناه و انحراف از آئینهای انسان ساز آسمانی می پیراید، بنابر این علـم، اصل و اساس هر عمل و تلاشی است، و باید دانست که‌ فعالیتهای روزانه‌ ارتباط عمیقی با اندیشه ها و اعتقادات انسان دارد و از قدیم گفته‌اند: انسان اسیر افکار خود است.

از همین لحاظ است که‌ قرآن به‌ ما دستور می‌دهد پروردگارمان را بشناسیم و از اسماء و صفات او اطلاع پیدا نماییم، خداوند خطاب به‌ پیامبرش می‌فرماید:

ﭽ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰔ ﭼ محمد: ١٩

(بدان كه قطعاً هيچ معبودي جز الله وجود ندارد. براي گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه).

لازم است هر انسانی بداند که‌ هیچ معبودی جز «الله»‌ وجود ندارد، و «الله»‌ ذاتی است دارای صفات سمیع، علیم، غفور، رحیم، عزیز، حکیم، غنی، حمید و سایر صفات والا، خداوند می‌فرماید: ﭽ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﭼ البقرة: ٢٤٤

(و در راه خدا بجنگيد و بدانيد كه خداوند شنوا و دانا است).

و می‌فرماید: ﭽ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﭼ المائدة:٩٨

(بدانيد كه خداوند داراي مجازات شديد است، و در عين حال بس آمرزنده و مهربان است).

و می‌فرماید: ﭽ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭼ البقرة: ٢٦٠

(و بدان كه خداوند چيره و باحكمت است).

و می‌فرماید: ﭽ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﭼ البقرة: ٢٦٧

(و بدانيد كه خداوند بي‌نياز و شايسته ستايش است).

خداوند متعال در بزرگترین سوره‌ و آیات قرآن راجع به‌ صفات و افعال خود بحث رانده‌ است.

در حدیث آمده‌ که‌ پیامبر فرمود: سوره‌ی اخلاص معادل یک سوم قرآن است، و آیة الکرسی بزرگترین آیه‌ی قرآن می‌باشد، و لازم به‌ یادآوری است که‌ این آیه‌ و سوره مزبور راجع به‌ خداوند و صفاتش بحث می‌رانند:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭼ الإخلاص: ١ - ٤

(بگو: خدا، يگانه يكتا است. خدا، سَرورِ والاي برآورنده اميدها و برطرف كننده نيازمنديها است. نزاده است و زاده نشده است. و كسي همتا و همگون او نمي‌باشد).

این سوره‌، وحدانیت را برای ذات اقدس الهی اثبات می‌گرداند، که‌ هیچ شبیه‌، نظیر و شریکی ندارد و از زن و فرزند مبری است.

و آیة الکرسی هم این آیه است که می فرماید:

ﭽ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﭼ البقرة: ٢٥٥

(خدائي بجز الله وجود ندارد و او زنده پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي‌گيرد (و همواره بيدار است و سستي و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است (و در ملك كائنات، او را انبازي نيست). كيست آن كه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه او؟ مي‌داند آنچه را كه در پيش روي مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آينده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مكانها در پيشگاه علم او يكسان است. مردمان) چيزي از علم او را فراچنگ نمي‌آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. (علم و دانش محدود ديگران، پرتوي از علم بي‌پايان و بي‌كران او است). فرماندهي و فرمانروائي او آسمانها و زمين را دربر گرفته است، و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

این آیه‌ از خداوندگار بحث رانده‌، که‌ او تنها معبود زنده‌ای است که‌ خالی از هر گونه‌ نقص و عیبی است، و تنها نگهدار و گرداننده‌ی مستقلی است که‌ به‌ سایر موجودات استقامت و پایداری بخشیده‌، و به‌ همین لحاظ ﭽ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﭼ سنه (چرت) مرحله‌ی قبل از خواب است؛ و او تنها پادشاه حقی است که‌ مالک آسمانها و زمین می‌باشد و همه‌ی مخلوقات‌ تحت قدرت و زیر نظر او است، و جز با اجازه‌ی وی هیچ کس نمی‌تواند در پیشگاهش به‌ میانجیگری بپردازد، و از گذشته‌ و حال و آینده‌ی بندگانش اطلاع دارد و بشر نمی‌تواند بیشتر از آنچه‌ که‌ خدا اجازه‌ داده‌ به‌ علم و دانش دست یابد:

ﭽ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﭼ

و به‌ این آیه‌های ربانی توجه‌ کنید که‌ از پروردگار بحث می‌راند و وی را به‌ ما شناسایی می‌کند، سپس آثار آن را در درون خود ملاحظه‌ کن که‌ چه‌ تأثیراتی را برجایی گذاشته‌ است:

ﭽ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﭼ الحشر: ٢٢ - ٢٤

(خدا كسي است كه جز او پروردگار و معبودي نيست. آگاه از جهان نهان و آشكار است (و ناپيدا و پيدا در برابر دانشش يكسان است). او داراي مرحمت عامه (در اين جهان، در حق همگان)، و داراي مرحمت خاصه (در آن جهان، نسبت به مؤمنان) است. ‏ خدا كسي است كه جز او پروردگار و معبودي نيست. او فرمانروا، منزه، بي‌عيب و نقص، امان‌دهنده و امنيت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چيره، بزرگوار و شكوهمند، و والامقام و فرازمند است. خداوند دور و فرا از چيزهائي است كه انباز او مي‌كنند. او خداوندي است كه طراح هستي و آفريدگار آن از نيستي و صورتگر جهان است. داراي نامهاي نيك و زيبا است. چيزهائي كه در آسمانها و زمين هستند، تسبيح و تقديس او مي‌گويند، و او چيره كار بجا است).

قرآن برخی از صفات پروردگار را به‌ طور مفصل برای ما توضیح داده، تا از این طریق بر درون ما مسلط گردد و تمام اطراف آن را دربر گیرد؛ به‌ عنوان نمونه‌ وقتی که‌ از علم خداوند بحث می‌راند، با علم گسترده‌ و فراگیری روبرو می‌شویم که‌ تمام زندگی و زندگان را فرا ‌گرفته‌ و تاریکی‌ها و پرده‌ها را پاره‌ نموده‌ و به‌ اعماق درون دست یافته‌ است، و بزرگ و کوچک از نظر علم او مساوی و برابر هستند:

ﭽ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭼ الأنعام: ٥٩ - ٦٠

(گنجينه‌هاي غيب و كليد آنها در دست خدا است و كسي جز او از آنها آگاه نيست. و خداوند از آنچه در خشكي و دريا است آگاه است. و هيچ برگي (از گياهي و درختي) فرو نمي‌افتد مگر اين كه از آن خبردار است. و هيچ دانه‌اي در تاريكيهاي (درون) زمين، و هيچ‌چيز تر و يا خشكي نيست كه فرو افتد، مگر اين كه (خدا از آن آگاه، و در علم خدا پيدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است. خدا است كه در شب شما را مي‌ميراند و در روز شما را برمي انگيزاند و او مي‌داند كه در روز (كه زمان عمده جنب و جوش و تلاش و كوشش است) چه مي‌كنيد و چه فراچنگ مي‌آوريد (و اين مرگ و زندگيِ خواب و بيداري نام، پيوسته ادامه دارد) تا مهلت معيّن (زندگي هركس با فرا رسيدن مرگ او) بسر آيد. سپس (در روز رستاخيز همگان) به سوي خدا برمي‌گرديد و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنيا) مي‌كرديد باخبر مي‌گرداند (و پاداش و پادافره اعمال را به صاحبان آنها مي‌رساند).

و در جای دیگری می‌فرماید:

ﭽ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﭼ سبأ: ٢ - ٣

(مي‌داند آنچه را كه به زمين وارد مي‌شود، و آنچه را كه از آن خارج مي‌شود، و آنچه را كه از آسمان پائين مي‌آيد، و آنچه را كه به سوي آن بالا مي‌رود، و او مهربان و بخشاينده است. كافران مي‌گويند: قيامت هرگز براي (حساب و كتاب و سزا و جزاي) ما برپا نمي‌شود. بگو: چرا، به پروردگارم سوگند! آن كسي كه داناي راز (نهان در گستره جهان) است، قيامت به سراغ شما مي‌آيد (و خدا به اعمال شما رسيدگي مي‌نمايد). به اندازه سنگيني ذرّه‌اي، در تمام آسمانها و در زمين از او پنهان و نهان نمي‌گردد، و نه كمتر از اندازه ذرّه و نه بزرگتر از آن، چيزي نيست مگر اين كه در كتاب آشكاري ثبت و ضبط و نگهداري مي‌شود).

و یا می‌فرماید:

ﭽ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﭼ

الرعد: ٨ - ١٠

(خدا مي‌داند كه هر زني (در شكم خود) چه چيز حمل مي‌كند (و بار او پسر يا دختر است، و وضع جسماني و روحاني، و كيفيّت و كميّت استعدادها و نيروهاي بالقوّه در او چگونه است)، و مي‌داند كه رحمها از چه چيز مي‌كاهند و بر چه چيز مي‌افزايند (و فعل و انفعالات دوران عادي و قاعدگي و آبستني آنها چگونه بوده و زمان حاملگي و زايمان چه وقت و چقدر و بر چه منوال است)، و هر چيز در نزد او به مقدار و ميزان است (و از اندازه معيّن و حساب مشخّص برخوردار است). خدا آگاه از جهان پنهان (از ديد و دانش مردمان) و آگاه از جهان ديدني (و آشكار در برابر چشم و علم ايشان) است، و بزرگوار و والا است. كسي كه از شما سخن را پنهان مي‌دارد، و كسي كه سخن را آشكار مي‌سازد، و آن كه در روز (به دنبال كار خود) روان مي‌گردد، (براي خدا بي‌تفاوت و) يكسان مي‌باشند (و خداوند از اوضاع و احوال و رفتار و كردارتان، هرگونه كه بوده و هرجا و هر زمان كه باشد آگاه است).

پروردگار همچنانکه‌ صفات خود را برای ما بازگو نموده‌ از افعالش نیز بحث رانده‌ است؛ بحث از افعال طوری است که‌ با نفس و درون انسان درمی‌آمیزد و روح او را اسیر خود می‌گرداند، از این رو وقتی انسان به‌ آیات قرآن گوش فرا می‌دهد در جهان هستی به‌ پرواز درمی‌افتد و از فراورده‌های الهی بازدید می‌نماید، و چنان او را به‌ خود جذب می‌کند گویی برای اولین بار است که‌ به‌ هستی می‌انگارد، و لذا ناگهان قلب انسان به‌ خداوندگار می‌پیوندد، نفس به‌ خشوع درمی‌افتد، چشم اشک می‌ریزد و زبان به‌ تسبیحات مشغول می‌گردد:

ﭽ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﭼ

الأنعام: ٩٦ - ٩٩

(او است كه صبح (سيمين را از شب قيرين) پديدار ساخته است (تا زندگان براي كسب معاش به تلاش ايستند) و شب را مايه آرامش (و آسايش جسم و جان،) و خورشيد و ماه را وسيله حساب (مردمان در امور روزمرّه عبادي و تجاري خود) كرده است. اين (نظم بديع و نظام استوار) سنجش دقيق و تدبير محكّم (دادار متعالي است كه) چيره (بر جهان و) آگاه (از همه چيز آن) است. و او آن كسي است كه ستارگان را براي شما آفريده است تا (در شبهاي سفر) در تاريكيهاي خشكي و دريا بدانها رهنمود شويد. ما آيات (قرآني و نشانه‌هاي جهاني خود) را براي كساني بيان داشته‌ايم كه (معاني آيات قرآني و نشانه‌هاي جهاني را) مي‌دانند. و او كسي است كه شما را از يك شخص آفريده است كه (آدم است و او هم از خاك زمين است و زمين هم در مدّت حيات) محلّ استقرار و (پس از مرگ) محلّ تسليم (به خاك شما) است. ما آيات (قرآني و نشانه‌هاي جهاني خود) را براي كساني بيان داشته‌ايم كه (آيات قرآني و نشانه‌هاي جهاني را چنان كه بايد) مي‌فهمند. و او كسي است كه از (ابرِ) آسمان، آب (باران) فرو مي‌فرستد، و ما (كه خدائيم، با قدرت سترگ خود) به وسيله آن آب، همه رُستنيها را مي‌رويانيم و از رُستنيها سبزينه بيرون مي‌آوريم، و از آن سبزينه، دانه‌هاي تنگاتنگ يكديگر، و از شكوفه‌هاي درخت خرما خوشه‌هاي آويزان نزديك بهم و در دسترس، و باغهاي انگور و زيتون و انار پديد مي‌سازيم كه (در شكل و مزه و بو و سود) همگون و يا غيرهمگونند. بنگريد به ميوه نارس و رسيده يكايك آنها، آن گاه كه ميوه دادند. بيگمان در اين (گوناگوني دروني و بيروني و تغيير آغاز و انجام ميوه‌ها) نشانه‌ها و دلائل (خداشناسي) است براي كساني كه (حق را مي‌پذيرند و بدان) ايمان مي‌آورند).

و در جای دیگری می‌فرماید:

ﭽ ﯙ ﯚﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ النحل: ٥ - ١٤

(و چهارپايان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفريده است كه در آنها براي شما، وسيله گرما (در برابر سرما، از قبيل پوشيدني و گستردني ساخته از پشم و مويشان) و سودهائي (حاصل از نسل و شير و سواري و غيره) موجود است و از (گوشت) آنها مي‌خوريد (و در حفظ حيات خود مي‌كوشيد). و برايتان در آنها زيبائي است بدان گاه كه آنها را (شامگاهان از چرا) باز مي‌آوريد و آن گاه كه آنها را (بامدادان به چرا) سرمي‌دهيد. آنها بارهاي سنگين شما را به سرزمين و دياري حمل مي‌كنند كه جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمي‌رسيديد. بي‌گمان پروردگارتان (كه اينها را براي آسايشتان آفريده است) داراي رأفت و رحمت زيادي (در حق شما) است. و (خدا) اسبها و استرها و الاغها را (آفريده است) تا بر آنها سوار شويد و زينتي باشند (كه به دلهايتان شادي بخشد، و خداوند) چيزهائي را (براي حمل و نقل و طي مسافات) مي‌آفريند كه (شما هم اينك چيزي از آنها) نمي‌دانيد. (هدايت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهي كه منتهي به خير و حق مي‌گردد)، و برخي از راهها منحرف و بيراهه است (و منتهي به خير و حق نمي‌گردد). و اگر خدا مي‌خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدايت مي‌كرد (و نعمت اختيار و آزادي اراده و انتخاب را به شما انسانها نمي‌داد، و لذا همچون حيوانات راهي را بيشتر نمي‌پيموديد و ترقّي و تكاملي پيدا نمي‌كرديد). او كسي است كه از آسمان آبي فرو فرستاده است (كه مايه حيات است) و شما از آن مي‌نوشيد (و زلال و گوارايش مي‌يابيد) و به سبب آن گياهان و درختان مي‌رويند و شما حيوانات خود را در ميان آنها مي‌چرانيد. خداوند به وسيله آن (آب) زراعت و (درختان) زيتون و خرما و انگور و همه ميوه‌ها را براي شما مي‌روياند. بي‌گمان در اين (كار آفرينش ميوه‌هاي رنگارنگ و محصولات كشاورزي گوناگون) نشانه روشني است (از خدا) براي كساني كه (درباره نيروي آفريننده آنها) بينديشند (و با چشم بينش و خرد به جهان گياهان بنگرند). و خدا شب و روز و خورشيد و ماه را براي (مصالح و منافع) شما مسخّر كرد، و ستارگان به فرمان او مسخّر (و براي راهيابي شما در دل تاريكيها، در چرخش و گردش) هستند. مسلّماً در اين كار (كار آفريدن و مسخر كردن) دلائل روشن و نشانه‌هاي بزرگي (بر قدرت و عظمت خدا) است براي كساني كه تعقّل مي‌ورزند (و در پرتو خرد به كارها مي‌نگرند). و چيزهائي را مسخّر شما گردانيده است كه در زمين براي شما به رنگهاي مختلف و در انواع گوناگون آفريده است. مسلّماً در اين (كار تسخير و آفرينش) دليل واضح و نشانه روشني (بر قدرت و عظمت خدا) است براي مردمي كه عبرت مي‌گيرند (و از ديدن اين همه نقش عجب بر در و ديوار وجود مي‌انديشند و به سجود مي‌افتند). و او است كه دريا را مسخر (شما) ساخته است تا اين كه از آن گوشت تازه بخوريد و از آن زيوري بيرون بياوريد كه بر خود مي‌پوشيد (و خويشتن را بدان مي‌آرائيد و حس زيبائي را اشباع مي‌نمائيد) و (تو اي انسان!) كشتيها را مي‌بيني كه (سينه) دريا را مي‌شكافند و (امتعه و اقوات را بدينجا و آنجا مي‌رسانند. خدا اين نعمت را به شما داد) تا شما فضل او را بجوئيد (و از دريا در مسير تجارت استفاده نمائيد) و سپاسگزاري كنيد).

# ایمان به‌ خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت

شناخت خدا از طریق صفات و افعالش نقطه‌ شروع صحیحی در زندگانی انسان می‌باشد، پس هرگاه انسان به‌ این نقطه‌ دست یافت از خیر و برکتهای هنگفتی بهره‌مند شده‌ است، زیرا به‌ سوی پروردگارش راه‌یافته‌ و هدایت را کسب نموده‌، از این رو گامهایش را بر راهی درست می‌نهد و در نهایت به‌ عاقبتی نیک که‌ بهشت ابدی است دست می‌یابد؛ شناخت خدا و آگاهی از وی ما را به‌ خدا می‌رساند و نفس و درون ما را آراسته‌ و بی‌عیب می‌گرداند، سپس جهان هستی و پدیدآورنده‌ی اصلی را به‌ ما شناسایی می‌کند. ایمان به‌ خدا پرده‌ از اسرار جهان و هستی برمی‌دارد و اهداف جهان هستی و انسان را به‌ ما معرفی می‌نماید.

واقعیت این است که‌ امام بخاری کار بسیار زیبایی را انجام داده‌ که‌ کتاب جامع صحیح خود را - که‌ بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب است- با کتاب وحی شروع نموده‌ است، زیرا وحی تنها راه پر امن و امان شناخت حقایق زندگی است، پس اگر به‌ خداوند ایمان داشته‌ باشید و او را تصدیق نمائید و قوانین او را دنبال نمودید بسیاری از اسرار هستی آشکار و برملا می‌گردد.

واقعیت این است کسانی که‌ وحی خدا را کنار گذاشته‌اند در دنیایی متلاطم و پر از آشوب زندگی را سپری می‌کنند، و آرامش و آسایش را از دست داده‌اند؛ امروزه‌ بشریت با تمام نیرو و توان خود از پدیدآورنده‌ی اصلی می‌گردد و از اهداف هستی دقت می‌نماید اما هنوز گمراه و سرگردان هستند، و از ارتباط زن و مرد و وظیفه‌ی پول و ثروت و اداره‌ کردن امور سیاسی مردم تحقیق می‌نمایند اما به‌ هیچ دستاویزی راه نیافته‌اند، زیرا آنها از نظریات و افکاری متناقض پیروی می‌کنند، و حال و وضع بشریت را به‌ آنجا رسانیده‌اند که‌ اعلام دارند جهان هستی بدون آفریدگار پدید آمده‌ و زندگی دنیا هدف و مقصد اصلی انسان است و ارتباط زن و مرد بر رذایل بنیان شده‌ و وظیفه‌ی مال و ثروت این است که‌ در سود و رباهای هنگفت بکار گرفته‌ شود؛ لازم به‌ یادآوری است که‌ این‌گونه‌ نظریه‌ها در غرب و شرق هر روز تغییر پیدا می‌کند و حال و وضع دیگری را به‌ خود می‌گیرد، و راست گفته‌ خداوندگار آنجا که‌ می‌فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭼ البقرة: ٢٥٧

(خداوند متولّي و عهده‌دار (امور) كساني است كه ايمان آورده‌اند. ايشان را از تاريكي‌هاي (زمخت گمراهي شكّ و حيرت) بيرون مي‌آورد و به سوي نور (حق و اطمينان) رهنمون مي‌شود. و (امّا) كساني كه كفر ورزيده‌اند، طاغوت (شياطين و داعيان شرّ و ضلال) متولّي و سرپرست ايشانند. آنان را از نور (ايمان و فطرت پاك) بيرون آورده به سوي تاريكيهاي (زمخت كفر و فساد) مي‌كشانند. اينان اهل آتشند و در آنجا جاويدانه مي‌مانند)

ظلمات (تاریکیها) همان نظریات و علومی هستند که‌ برای انسان برنامه‌‌ریزی شده‌ و هیچ‌گونه‌ ارتباطی با روش انسان ساز الهی ندارد.

مسلمان به‌ خدا ایمان دارد و از طریق پیامبران قوانین خود را از او می‌گیرد؛ ما خدایمان را می‌شناسیم، و همچنین خود و راه و منش و جهان پیرامونمان را می‌شناسیم، از این رو تضاد افکاری که‌ بنیان جوامع‌ انسانی را به‌ لرزه‌ درآورده‌ بود به‌ قانونی هماهنگ و همخوان با جامعه‌ انسانی تبدیل می‌گردد و تمامی آن تراژدیهایی که‌ موجب بلا و مصیبتهای خانمان سوز شده‌ بودند ریشه کن خواهند شد، و همچنین تمامی نظریات و قوانینی که‌ جامعه‌ بشری را دچار تفرقه‌ و پراکندگی نموده‌ بود خاموش و نابود می‌گردند و در نهایت هر چیزی به‌ جایگاه خود بازمی‌گردد وجامعه‌ انسانی به‌ ملتی متحد و یکپارچه تبدیل می‌گردد، همچنانکه‌ خداوند متعال می فرماید:

ﭽ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﭼ المؤمنون: ٥٢

((و بديشان گفتيم: به اقوام خود برسانند كه) اين (پيغمبران بزرگي كه بدانان اشاره شد، همگي) ملّت يگانه‌اي بوده (و آئين واحد و برنامه يكتائي دارند) و من پروردگار همه شما هستم).

بنابر این پیروان توحید علی رغم اختلاف زمان، محل زندگی، رنگهای مختلف و جنسیت یک امت واحده‌ را تشکیل می‌دهند.

## «خداوند» محور همه فعالیتها

لازم است بدانیم که‌ شناخت خدا کافی نیست، بلکه‌ واجب است خدا را نیز به‌ عنوان هدف اصلی قرار دهیم، فعالیتهای انسانی واجب است در مسیری معین و مشخص حرکت کنند تا بدین وسیله آغاز و انجام همه کارها با هم هماهنگ و سازگار شوند؛ اصل اولی که‌ از آن بحث راندیم شناخت خدا است، و اصلی دومی که‌ بر اصل نخست بنیان می‌شود این است که‌ تنها به‌ او روی آورده‌ شود.

لازم به‌ ذکر است که‌ بدانیم زندگی بدون آن ناهماهنگ و ناموزن است، و این نتیجه‌ای منطقی برای کسی است که‌ خدا را به‌ عنوان پروردگار و آفریننده‌ قبول نموده‌ و به‌ صفات و افعال او ایمان آورده‌ است؛ چگونه‌ اعلام می‌داریم خداوند کسی است که‌ ما و جهان هستی را به‌ وجود آورده‌ و رزق و روزی را برایمان فرستاده‌ اما به‌ کس دیگری رویی می‌آوریم و قوانین کسی دیگری را دنبال می‌کنیم؟!! براستی که‌ این‌گونه‌ افکار بسیار متضاد و متناقض هستند و با منطق سلیم و عقل بینا و بیدار ناسازگار است.

واقعیت این است جامعه‌ بشری بسیاری اوقات با این تناقضات روبرو گشته‌ است، بسیاری از مردم اعتراف کرده‌اند که‌ خداوند پروردگار، خالق و رازق آنها است، اما سر تعظیم در برابر جلال و عظمت وی فرود نیاورده و او را تقدیس ننموده‌اند، و از او درخواست ننموده‌ و به‌ او اعتماد و توکل نکرده‌اند، بلکه‌ بسیاری از مردم دیگران را مورد تقدیس و تعظیم قرار داده‌اند و از کسی کمک خواسته‌اند که‌ شایسته‌ی یاری جستن نیست، و تنها پیام پیامبران الهی برای اقوام و پیروانشان این بوده‌ که‌ آن معبودهای مصنوعی استحقاق عبادت را ندارند و تنها معبودی که‌ شایسته‌ی عبادت باشد خداوند متعال است، زیرا او تنها خالقی است که‌ رازق، زنده‌، شنونده‌ و بینا است و مرگ و زندگی در دست او است، ابراهیم – علیه السلام - در مورد خدایان دروغین با قوم خود این چنین به بحث و گفتگو نشست:

ﭽ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﭼ (الشعراء: ٧٠ – ٨٢)

(هنگامي كه به پدرش (آزر) و قوم (بت‌پرست) خود گفت: چه چيز را پرستش مي‌كنيد؟ (چيزهائي را كه مي‌پرستيد، كي شايسته پرستش مي‌باشند؟) ‏ (مفتخرانه پاسخ دادند و) گفتند: بتهاي بزرگي را مي‌پرستيم و دائماً (به پرستش آنها مي‌پردازيم و) بر عبادتشان ماندگار مي‌مانيم. گفت: آيا هنگامي كه آنها را به كمك مي‌خوانيد، صداي شما را مي‌شنوند و نيازتان را برآورده مي‌كنند؟ يا سودي به شما مي‌رسانند (اگر از آنها اطاعت كنيد؟) و يا زياني متوجّه شما مي‌سازند (اگر از آنها سرپيچي نمائيد؟) مي‌گويند: (چيزي از اين كارها را نمي‌توانند بكنند) فقط ما پدران و نياكان خود را ديده‌ايم كه اين چنين مي‌كردند (و بتان را به گونه ما پرستش مي‌نمودند و ما هم از كارشان تقليد مي‌كنيم و بس. مگر مي‌شود پدران و نياكان ما در اشتباه بوده باشند؟) آيا (مي‌دانيد كه چه كار مي‌كنيد و) مي‌بينيد كه چه چيز را مي‌پرستيد؟! هم شما و هم پدران پيشين شما. همه آنها دشمن من هستند (آنهائي كه شما معبود خود مي‌دانيد) بجز پروردگار جهانيان. (پروردگار جهانياني) كه مرا آفريده است، و هم او مرا (به سوي سعادت دنيا و آخرت) راهنمائي مي‌سازد (و در سراسر زندگي من حضور دارد و لحظه‌اي از من غافل نيست).‏ آن كسي است كه او مرا ميخوراند و مي‌نوشاند. و هنگامي كه بيمار شوم او است كه مرا شفا مي‌دهد. و آن كسي است كه (چون اجلم فرا رسيد) او مرا مي‌ميراند و سپس (در رستاخيز براي حساب و كتاب و جزا و سزا) مرا زنده مي‌گرداند. ‏ و آن كسي است كه اميدوارم در روز جزا و سزا (كه قيامت برپا است) گناهم را بيامرزد).

براستی که‌ اینها شایسته‌ی عبادت نیستند، زیرا هیچ فریادی را نمی‌شنوند و هیچ گونه‌ نفع و ضرری از دست ایشان بر نمی آید، و این تنها خداوند است که‌ استحقاق عبادت را دارد، زیرا او است که‌ می‌خوراند و می‌نوشاند، بیماران را شفا می‌دهد، مرگ و زندگی را در دست دارد، گناهان را می‌آمرزد و از اشتباهات درمی‌گذرد. و خداوند به‌ پیامبرش محمد ص دستور داد با مشرکین مکه‌ رویارویی نماید و بی‌پروا اظهار نماید خدایان آنها شایسته‌ی هیچ یک از آن عبادتها نبوده و تنها خدای یگانه‌ استحقاق تمامی آن عبادتها را دارد:

ﭽ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﮮ ﮯ ﮰﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭼ (النمل: ٥٩ – ٦٤)

((اي پيغمبر!) بگو: خداي را سپاس (مي‌گويم كه تباهكاران همچون قوم ثمود و گردنكشان همسان فرعونيان را به ديار عدم فرستاد، و از خدا درخواست مي‌نمايم كه نازل فرمايد) رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزيده خويش. آيا خدا (كه اين همه قدرت و نعمت و موهبت دارد) بهتر است (براي پرستش و كرنش) يا چيزهائي كه انباز خدا مي‌سازيد (و فاقد نفع و ضرر هستند و چيزي از آنها ساخته نيست‌؟). (آيا بتهائي كه معبود شما هستند بهترند) يا كسي كه آسمانها و زمين را آفريده است، و براي شما از آسمان آبي بارانده است كه با آن باغهاي زيبا و فرح‌افزا رويانيده‌ايم‌؟ باغهائي كه شما نمي‌توانستيد درختان آنها را برويانيد. آيا (با توجّه به آفرينش آسمانها و زمين و نزول باران و بركات و ثمرات ناشي از آن، و هماهنگي و پيوند لطيف و دقيق هر يك از اين مخلوقات) معبودي با خدا است‌؟! اصلاً ايشان قومي هستند (از حق‌پرستي به بت‌پرستي) عدول مي‌كنند. **(بتها بهترند) يا كسي كه زمين را قرارگاه (و محلّ اقامت انسانها) ساخته است، و در ميان آن رودخانه‌ها پديد آورده است، و براي زمين كوههاي پابرجا و استوار آفريده است (تا قشر زمين را از لرزش نگاه دارند) و ميان دو دريا مانعي پديدار كرده است (تا آميزه يكديگر نگردند. حال با توجّه به اينها) آيا معبودي با خدا است‌؟! اصلاً بيشتر آنان بي‌خبر و نادانند (و قدر عظمت خدا را نمي‌دانند).** (آيا بتها بهترند) يا كسي كه به فرياد درمانده مي‌رسد و بلا و گرفتاري را برطرف مي‌كند هر گاه او را به كمك طلبد، و شما (انسانها) را (برابر قانون حيات دائماً به طور متناوب) جانشين (يكديگر در) زمين مي‌سازد (و هر دم اقوامي را بر اين كره خاكي مسلّط و مستقرّ مي‌گرداند. حال با توجّه بدين امور) آيا معبودي با خدا است؟! واقعاً شما بسيار كم اندرز مي‌گيريد. (آيا بتهاي بي‌جان بهترند) يا كسي كه شما را در تاريكيهاي خشكي و دريا رهنمود (و دستگيري) مي‌كند، و كسي كه بادها را به عنوان بشارت دهندگان، پيشاپيش نزول رحمتش وزان مي‌سازد (و آنها را پيك قدوم باران مي‌سازد. در ساختن و راه‌اندازي اينها) آيا معبودي با خدا است‌؟ خدا فراتر و دورتر از اين چيزهائي است كه انباز او مي‌گردانند. (آيا معبودهاي دروغين شما بهترند) يا كسي كه آفرينش را مي‌آغازد، سپس آن را برگشت مي‌دهد، و كسي كه شما را از آسمان و زمين روزي عطاء مي‌كند؟ (حال با توجّه به قدرت آفرينش يزدان، و نظم و نظام موجود در پديده‌هاي جهان، و اقرار عقل سالم به زنده شدن دوباره مردمان در دنياي جاويدان) آيا معبودي با خدا است‌؟ (اي پيغمبر بديشان) بگو: دليل و برهان خود را بيان داريد اگر راست مي‌گوئيد (كه جز خدا معبودهاي ديگري هم وجود دارند).

بنا بر این وقتی که‌ خداوند به‌ تنهایی مسئول تمامی این کارها است پس تنها او نیز استحقاق عبادت را دارد، و تنها منهجی که‌ با زندگانی انسان سازگار می‌باشد ‌همان منهجی است که‌ خداوند برای مردم فرو فرستاده تا در زندگی خصوصی و عمومی خود طبق آن حرکت نمایند. و تنها کسانی که‌ به‌ نحو شایسته‌ای حق توحید و یگانه‌ پرستی را رعایت نموده‌اند کسانی هستند که‌ خدا را شناخته و تنها به‌ او رویی آورده و از منهج او پیروی و تبعیت نموده‌اند، و این همان راهی است که‌ انسان را از دست اربابهای جعلی بی شماری نجات می‌دهد:

ﭽ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭼ يوسف: ٣٩

(آيا خدايان پراكنده (و گوناگوني كه انسان بايد پيرو هر يك از آنها شود) بهترند يا خداي يگانه چيره (بر همه چيز و كس‌؟).

انسان از طریق اسماء و صفات، خدا را می‌شناسد و تنها به‌ او رویی می‌آورد، بنابر این خود را با بزرگترین و شریف‌ترین قضیه‌ مشغول می‌نماید و تمامی شوق و علاقه‌های خود را متوجه‌ خدای یگانه می‌کند، از این رو او را دوست دارد و ترس و امیدش را تنها به‌ او پیوند می‌دهد، به‌ او اعتماد می‌کند، بر وی توکل می‌نماید و تنها در راه کسب رضایت او قدم برمی‌دارد.

پروردگارا! تنها برای تو سجده‌ می‌بریم و همه‌ی تلاش و کوشش ما تنها برای تو است:

ﭽ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﭼ الأنعام: ١٦٢

(بگو: نماز و عبادت و زيستن و مردن من از آن خدا است كه پروردگار جهانيان است (و اين است كه تنها خدا را پرستش مي‌كنم و كارهاي اين جهان خود را در مسير رضايت او مي‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه يزدان مي‌كوشم و در اين راه مي‌ميرم، تا حياتم ذخيره مماتم شود)).

آری انسان با توجه‌ به‌ تعالیم واضحی که‌ از خداوند تلقی می‌کند «الله‌» به‌ عنوان محور علم، فکر و عمل او قرار می‌گیرد، واقعیت این است که‌ الله‌ محور زندگانی انبیا، پیامبران و صالحین بوده‌، و کافی است از خلال آیات قرآن به‌ مسیر حرکت پیامبران و فرستادگان الهی نگاه نمائید، آنگاه می‌فهمید که‌ تمامی تعالیمی که‌ برای آنها نازل شده‌ حول این محور می‌چرخد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭼ الأنبياء: ٢٥

(ما پيش از تو هيچ پيغمبري را نفرستاده‌ايم، مگر اين كه به او وحي كرده‌ايم كه: معبودي جز من نيست، پس فقط مرا پرستش كنيد).

خداوند خاتم پیامبران خود را چنین دستور داد که‌:

ﭽ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﭼ (الأنبياء: ١٠٨)

(بگو: (اصل دعوت من اين است:) به من وحي مي‌شود كه معبود شما يكي بيش نيست (و بقيّه چيزهاي ديگري كه به من وحي مي‌گردد، تابع همين اصل اساسي توحيد است). حال كه چنين است، آيا شما تسليم (خداوند يگانه) مي‌گرديد (و بتهاي سنگي و معبودهاي طاغوتي را كنار مي‌گذاريد؟).

# توحید محور و مدار قرآن است

کسی که‌ به‌ دقت قرآن را مورد نظر قرار بدهد مصداق این آیه‌ را در آن خواهد دید، زیرا تمام قرآن حول این محور می‌چرخد، و هر آنچه‌ به‌ پیامبرش ص وحی نموده‌ در این مسأله‌ قرار گرفته‌ است. بنابر این قرآن یا اینکه‌ از اسماء و صفات خداوند خبر داده‌ و یا اینکه‌ بندگان را به‌ عبادت خدای یگانه‌ و دوری از پرستش غیر او فرا می‌خواند. (و این دو روی سکه توحید است: توحید اعتقادی که‌ خدا و افعال او را توصیف می‌کند و توحید عملی که‌ بندگان را تنها به‌ سوی پروردگارشان توجیه‌ می‌نماید)، و یا اینکه‌ دستورات و منهیاتی برای اطاعت و فرمانبرداری از خداوند است و این از مستلزمات توحید است، و یا اینکه‌ از اکرام اهل توحید در دنیا و پاداش آنها در آخرت در مقابل حفظ توحید بحث رانده‌، و یا اینکه‌ از سختی و ناراحتیهای مشرکین در دنیا و عذاب و دردهای آخرت آنها در مقابل خروج از توحید خبر داده‌ است. پس قرآن تنها از توحید و یگانه‌ پرستی بحث می‌راند:

ﭽ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﰜ ﰝ ﭼ الكهف: ١١٠

((اي پيغمبر!) بگو: من فقط انساني همچون شما هستم (و امتياز من اين است كه من پيغمبر خدايم و آنچه گفت: بگو ؛ مي‌گويم) و به من وحي مي‌شود كه معبود شما يكي است و بس. پس هركس كه خواهان ديدار خداي خويش است، بايد كه كار شايسته كند، و در پرستش پروردگارش كسي را شريك نسازد).

## کسی که‌ خدا را ندارد هیچ چیزی ندارد

توحید نقطه‌ی شروع و پایان زندگانی انسان مسلمان و امت اسلامی است و کسی که‌ آن را ندارد خسارتمند دنیا و آخرت شده‌ و هیچ چیزی برایش باقی نمانده‌ است، واقعیت این است که‌ او از الاغ گمراه‌تر است، پس زندگانی سختی را سپری می‌کند و هر آنچه‌ انجام می‌دهد پس داده‌ می‌شود و گناهانش مورد بخشش واقع نمی‌شوند و با آخرت و سرانجامی پر از شقاوت و بدبختی روبرو خواهد شد:

ﭽ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﭼ النساء: ٤٨

(بيگمان خداوند (هرگز) شرك به خود را نمي‌بخشد، ولي گناهان جز آن را از هركس كه خود بخواهد مي‌بخشد. و هر كه براي خدا شريكي قائل گردد، گناه بزرگي را مرتكب شده است).

ﭽ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﭼ النساء: ١١٦

(بيگمان خداوند شرك ورزيدن به خود را (از كسي) نمي‌آمرزد و بلكه پائين‌تر از آن را از هركس كه بخواهد (و صلاح بداند) مي‌بخشد. هر كه براي خدا انباز بگيرد، به راستي بسي گمراه گشته است (و خيلي از حق پرت شده است)).

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭼ الحج: ٣١

(حقّگرا و مخلص خدا باشيد، و هيچ گونه شركي براي خدا قرار ندهيد. زيرا كسي كه براي خدا انبازي قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ايمان به حضيض كفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترين شكل جان داده است) و پرندگان (تكّه‌هاي بدن) او را مي‌ربايند، يا اين كه تندباد او را به مكان بسيار دوري (و دره ژرفي) پرتاب مي‌كند (و وي را آن چنان بر زمين مي‌كوبد كه بدنش متلاشي و هر قطعه‌اي از آن به نقطه‌اي پرت مي‌شود)).

و مادام که‌ گناهانشان مورد عفو واقع نشود آنها از بهشت محروم شده و برای همیشه‌ در آتش دوزخ باقی خواهند ماند:

ﭽ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﭼ المائدة: ٧٢

(بيگمان هر كس انبازي براي خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام كرده است (و هرگز به بهشت گام نمي‌نهد) و جايگاه او آتش (دوزخ) است).

ﭽ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﭼ الأعراف: ٤٠ - ٤١

(بيگمان كساني كه آيات (كتابهاي آسماني و نشانه‌هاي گسترده جهاني) ما را تكذيب مي‌كنند و خويشتن را بالاتر از آن مي‌دانند كه بدانها گردن نهند، درهاي آسمان بر روي آنان باز نمي‌گردد (و خودشان بي‌ارج و اعمالشان بي‌ارزش مي‌ماند) و به بهشت وارد نمي‌شوند مگر اين كه شتر از سوراخ سوزن خياطي بگذرد (كه به هيچ وجه امكان ندارد، و لذا ايشان هرگز به بهشت داخل نمي‌گردند). اين چنين ما گناهكاران را جزا و سزا مي‌دهيم. براي آنان (در دوزخ) بستري از آتش و بالاپوشهائي از آتش است. ما اين چنين جزا و سزاي ستمكاران (گمراه و كفرپيشه) را مي‌دهيم).

و در روایت آمده‌ که‌ پیامبر خدا ص فرمود: در روز قیامت ابراهیم به‌ پدرش آزر می‌رسد و غم و اندوه و كدورت و افسردگي را بر رخسارش مشاهده‌ می‌کند، پس ابراهیم به‌ او می‌گوید: مگر به‌ شما نگفتم از دستور من سرپیچی نکن؟ پدرش می‌گوید: امروز به‌ فرمان شما گوش فرا می‌دهم. ابراهیم خطاب به‌ بارگاه حق تعالی می‌گوید: پروردگارا! تو به‌ من وعده‌ دادی که‌ در روز واپسین مرا شرمنده‌ و شرمسار نکنید، پس چه‌ ذلتی از این بزرگتر است که‌ پدرم را از بهشت دور گردانید؟ پروردگار می‌فرماید: من بهشت را بر کافرین حرام گردانیده‌ام. سپس به‌ ابراهیم می‌گوید: ای ابراهیم! آن چیست که‌ در کنارت ایستاده‌ است؟ ابراهیم نگاه می‌کند که‌ کفتاری آلوده‌ و نجس در کنارش ایستاده‌ است (یعنی خداوند پدر ابراهیم را به‌ کفتاری تبدیل می‌نماید تا مردم او را نشناسند و ابراهیم را آزرده‌ خاطر ننماید) سپس دست و پایش را می‌گیرند و او را به‌ آتش جهنم پرت می‌کنند[[13]](#footnote-13). خداوند متعال در این زمینه‌ می‌فرماید:

ﭽ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﭼ

محمد: ٣٤

(كساني كه كافر گردند و مردمان را از راه خدا بازدارند و سپس بميرند در حالي كه كافر باشند، هرگز خداوند ايشان را نخواهد بخشيد).

اما موحدینی که‌ پابرجا ماندند و توحید را دنبال کردند به‌ پاس تلاش و کوششی که‌ در این راه انجام دادند پاداش می‌گیرند و گناهانشان نیز بخشیده‌ خوهد شد:

ﭽ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﭼ الكهف: ١٠٧ - ١٠٨

(بي‌گمان كساني كه ايمان آورده‌اند و كارهاي شايسته كرده‌اند، باغهاي بهشت جايگاه پذيرائي از ايشان است. جاودانه در آنجا مي‌مانند و تقاضاي نقل مكان از آنجا را نمي‌نمايند (و حاضر نيستند آن را با چيزي عوض كنند)).

# 

# توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است

بنابر این اگر توحید چنین مقام والایی دارد و آن خطر بزرگ را متلاشی می‌کند، لازم است انسان مسلمان آن را به‌ دقت شناسایی کند و خود را از شرک نجات دهد، زیرا چنانکه‌ ابن مسعود بیان داشته‌ شرک از خزیدن مورچه‌ نیز پوشیده‌تر و پنهان‌تر است.

لازم است دعوتگران نیز تمام تلاش و کوشش خود را در راستای آگاهی مردم صرف نموده و توحید را به‌ آنها شناسایی کنند و چگونگی خالص نمودن دین برای خدای یگانه‌ را برای آنها تعریف نمایند، و همچنین لازم است همانند پیامبران‌ توحید را اصل و اساس تمامی کارهایشان قرار داده و مشکلات و قضایای مردم را به‌ همان اصل بزرگ و حیاتی ارجاع دهند.

## شرک هنوز هم ماندگار است

لازم به‌ یادآوری است که‌ مظاهر و صورتهای گوناگون شرک هنوز هم در زندگانی جوامع انسانی به‌ وضوح دیده‌ می‌شود، زیرا در بسیاری از کشورهای جهان مجسمه، بت، گاو و حیوانهایی دیگر مورد تقدیس قرار می‌گیرند. و هنوز هم در سرزمین اسلامی کسانی یافت می‌شوند که‌ برای مردگان تقدیس قائل می‌شوند و از آنها یاری می‌جویند و با نذر و قربانی کردن برای آنها و طواف به‌ دور قبرهایشان آنها را مورد پرستش قرار می‌دهند.

### شرکی که‌ امروز بسیار رایج است

مصیبت بزرگ این است که‌ امروزه بشریت خود را شریک خداوند می‌داند و می‌خواهد همانند خداوند قانون‌گذاری نماید، با توجه‌ به‌ اینکه‌ کسانی به‌‌پا خواسته‌ و قوانین و برنامه‌هایی مخالف با قوانین الهی را برای انسان تشریع نموده‌اند، براستی که‌ قانونمداران علیه‌ حقوق خداوند شورش کرده و بدان تجاوز نموده‌اند:

ﭽ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﭼ يوسف: ٤٠

(فرمانروائي از آن خدا است و بس. (اين، او است كه بر كائنات حكومت مي‌كند و از جمله عقائد و عبادات را وضع مي‌نمايد)).

و خود را همانند شریک خداوند اعلام داشته‌اند:

ﭽ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﭼ الشورى: ٢١

(شايد آنان انبازها و معبودهائي دارند كه براي ايشان ديني را پديد آورده‌اند كه خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بي‌خبر است‌؟)).

و این نشانه‌ جهل و گمراهی است:

ﭽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﭼ المائدة: ٥٠

(آيا (آن فاسقان از پذيرش حكم تو بر طبق آنچه خدا نازل كرده است سرپيچي مي‌كنند و) جوياي حكم جاهليّت (ناشي از هوي و هوس) هستند؟ آيا چه كسي براي افراد معتقد بهتر از خدا حكم مي‌كند؟).

لازم به‌ ذکر است که‌ تمامی کسانی که‌ این قوانین را وضع نموده‌اند، بدان حکم کرده اند و تسلیمش شده اند توحید و ایمان خود را نقض نموده‌اند و ستمکارانه ادعای توحید را سر می دهند:

ﭽ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﭼ النور: ٤٧

((از جمله كساني كه خدا توفيق هدايت قرينشان نفرموده است، منافقاني هستند كه پرتو ايمان به دلهايشان نتابيده است، ولي دم از ايمان مي‌زنند) و مي‌گويند: به خدا و پيغمبر ايمان داريم و (از اوامرشان) اطاعت مي‌كنيم، امّا پس از اين ادّعاء، گروهي از ايشان (از شركت در اعمال خير همچون جهاد، و از حكم قضاوت شرعي) رويگردان مي‌شوند، و آنان در حقيقت مؤمن نيستند).

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭼ النساء: ٦٠

((اي پيغمبر!) آيا تعجّب نمي‌كني از كساني كه مي‌گويند كه آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پيش از تو نازل شده ايمان دارند (ولي با وجود تصديق كتابهاي آسماني، به هنگام اختلاف) مي‌خواهند داوري را به پيش طاغوت ببرند (و حكم او را به جاي حكم خدا بپذيرند؟!). و حال آن كه بديشان فرمان داده شده است كه (به خدا ايمان داشته و) به طاغوت ايمان نداشته باشند. و اهريمن مي‌خواهد كه ايشان را بسي گمراه (و از راه حق و حقيقت بدر) كند).

خداوند تبارک و تعالی اهل کتاب را مورد نکوهش قرار داده‌، زیرا ایشان از قوانین علمای دینی و پارسایان خود تبعیت نمودند که‌ بر خلاف شریعت الهی پی‌ریزی شده‌ بود:

ﭽﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﭼ التوبة: ٣١

(يهوديان و ترسايان علاوه از خدا، علماء ديني و پارسايان خود را هم به خدائي پذيرفته‌اند (چرا كه علماء و پارسايان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال مي‌كنند، و خودسرانه قانونگذاري مي‌نمايند، و ديگران هم از ايشان فرمان مي‌برند و سخنان آنان را دين مي‌دانند و كوركورانه به دنبالشان روان مي‌گردند. ترسايان افزون بر آن) مسيح پسر مريم را نيز خدا مي‌شمارند).

دعوت توحید خواهان التزام به‌ منهج حق است و از ما می‌خواهد که‌ خدا را به‌ عنوان پروردگار و معبود خود قرار دهیم و در نماز و روزه‌ و دعاهایمان به‌ او رویی آوریم، و اگر در مسایل سیاسی، اقتصادی، آموزشی و... از قوانین او روی گردانیم و در برابر آن تکبر ورزیم با همان گمراهی و انحرافی مواجهه‌ می‌شویم که‌ مشرکین با آن مواجه‌ شده‌ بودند و همراه خدا برای خدایان دیگری نیز عبادت می کردند.

# نشانه های یکتاپرستی

هنگامی که‌ برای برافراشتن پرچمی که‌ از گذشتگان خود تحویل گرفته‌ایم و در اطراف و اکناف این مرز و بوم قدم برمی‌داریم، باید نکات زیر را مد نظر قرار دهیم:

1. دعوت مردم به‌ توحید و یگانه‌ پرستی از جهت شناخت خدا در فکر و بینش و از جهت عبادت و پرستش او در کردار و رفتار همان قضیه‌ی بزرگ اسلامی است که‌ در طول تاریخ بشریت کشمکش و زد و خوردهای زیادی را به‌ وجود آورده‌، و همان رسالتی است که‌ پیامبران آن را برداشته‌اند و دعوتشان را روی آن بنیان ‌نهاده اند، و کسانی که‌ این قضیه‌ را نفهمیده‌اند و از آن روی برتافته‌اند دچار خسارت و ضرر و زیان واضح و روشنی گشته‌اند.
2. قضیه‌ی توحید و یگانه‌ پرستی از چند طریق تحقق پیدا می‌کند:

**نخست:** اینکه‌ پروردگارمان را بشناسیم و قاطعانه‌ اقرار نماییم که‌ او آفریدگار ما و آفریدگار جهان هستی و نشانه‌های آن است، و یقین داشته‌ باشیم که‌ او جهان هستی را تدبیر می‌نماید و امورات آن را روبراه می‌نماید، و او از همه‌ی مخلوقاتش خبر دارد و با قدرت و توانی که‌ دارد در آنها عمل می‌کند و هرآنچه‌ که‌ بخواهد به‌ وقوع می‌پیوندد و آنچه‌ که‌ نخواهد هرگز به‌ وجود نمی‌آید:

ﭽ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﭼ البقرة: ٢٥٥

(خدائي بجز الله وجود ندارد و او زنده پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي‌گيرد (و همواره بيدار است و سستي و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است (و در ملك كائنات، او را انبازي نيست). كيست آن كه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه او؟ مي‌داند آنچه را كه در پيش روي مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آينده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مكانها در پيشگاه علم او يكسان است. مردمان) چيزي از علم او را فراچنگ نمي‌آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. (علم و دانش محدود ديگران، پرتوي از علم بي‌پايان و بي‌كران او است). فرماندهي و فرمانروائي او آسمانها و زمين را دربر گرفته است، و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

خداوند سبحان به‌ پیامبرش محمد ص دستور می‌دهد که‌ پروردگارش را به فریاد طلبیده، به‌ این حقیقت اقرار نموده و این گونه‌ به‌ مناجات بپردازد:

ﭽ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﭼ (آل عمران: ٢٦ – ٢٧)

(بگو: پروردگارا! اي همه چيز از آن تو! تو هر كه را بخواهي حكومت و دارائي مي‌بخشي و از هر كه بخواهي حكومت و دارائي را بازپس مي‌گيري، و هر كس را بخواهي عزّت و قدرت مي‌دهي و هركس را بخواهي خوار مي‌داري، خوبي در دست تو است و بيگمان تو بر هر چيزي توانائي. (بخشي از) شب را جزو روز مي‌گرداني (و بدين سبب شبها كوتاه و روزها دراز مي‌گردند) و (بخشي از) روز را جزو شب مي‌گرداني (و لذا روزها كوتاه و شبها دراز مي‌شوند) و زنده را از مرده پديد مي‌آوري و مرده را از زنده، و به هر كس كه بخواهي بدون حساب روزي مي‌بخشي).

**دوم:** اینکه‌ اعتراف نماییم که‌ تنها این خدای خالق، رازق، مدبر، قادر و دارای تمامی صفات کمال و جلال استحقاق عبادت را دارد.

بسیاری از مردم به‌ این واقعیت اقرار می‌نمایند و وجود خدا را تصدیق نموده‌ و اعلام می دارند که‌ او خالق هستی و رازق و روزی دهنده‌ است و مرگ و زندگی در دست او است، اما به‌ تنهایی او را عبادت نمی‌کنند، بلکه‌ همراه او برای دیگران نیز عبادت انجام می‌دهند، و به‌ عنوان نمونه‌ می‌توانیم به‌ اعراب حجاز اشاره‌ نماییم که‌ خدا را می‌پرستیدند و برای او حج می‌کردند و در دعاهایشان او را فرا می‌خواندند، به‌ گمان خود فرزندان ابراهیم و حاملین دعوت او بودند و اقرار می‌کردند که‌ خداوندگار خالق و رازق آنها است و مرگ و زندگیشان در دست او است، اما همراه او بت و... را می‌پرستیدند:

ﭽﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛﭼ العنكبوت: ٦١

(هر گاه از آنان (كه كساني و يا بتهائي را شريك خدا مي‌دانند) بپرسي چه كسي آسمانها و زمين را آفريده است، و خورشيد و ماه را (براي منافع شما انسانها روان و) مسخّر كرده است‌؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! (چرا كه مي‌دانند كه اين معبودهاي دروغين همه مخلوقند و توانائي آفرينش كائنات و چرخش كرات را نداشته و ندارند)).

ﭽ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﭼ المؤمنون: ٨٤ - ٨٩

(بگو: زمين و كساني كه در زمين هستند از آن كيستند، اگر دانا و فرزانه‌ايد؟! ‏ (بر اساس نداي فطرت، و بداهت عقل) خواهند گفت: (همه كائنات، و از جمله زمين و ساكنان آن) از آن خدايند. بگو: پس چرا نمي‌انديشيد و يادآور نمي‌گرديد (كه تنها مالك كائنات شايسته پرستش است و بس‌؟). بگو: چه كسي صاحب آسمانهاي هفتگانه و صاحب عرش عظيم است‌؟ (آيا ملك كائنات و فرمانروائي بر آنها از آن كيست‌؟). خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چرا پرهيزگاري پيش نمي‌گيريد (و خويشتن را از فرجام شرك و كفر و عصيان نسبت به يزدان، صاحب و فرمانده جهان به دور نمي‌داريد؟!). بگو: آيا چه كسي فرماندهي بزرگ همه‌چيز را در دست دارد (و ملك فراخ كائنات و حكومت مطلقه بر موجودات، از آن او است‌؟) و او كسي است كه پناه مي‌دهد (هر كه را بخواهد) و كسي را (نمي‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهميده و آگاهيد؟! خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چگونه گول (هوي و هوس و وسوسه شياطين را) مي‌خوريد و (از حق كناره‌گيري مي‌كنيد، انگار) جادو و جنبل مي‌شويد؟).

بدون شک این یک تناقض واضح و آشکار است، چگونه‌ وحدانیت خدا را تصدیق و به‌ خالقیت و رازق بودن او اقرار نموده‌ و او را صاحب مرگ و زندگی دانسته‌، اما عبادت، دعا و استعانت را به‌ او پیوند ن‌دهیم و چگونه‌ امکان دارد به‌ قوانین بشری گردن نهیم و از مناهج و رفتار آنها پیروی ‌نماییم؟!! براستی که‌ همه‌ی اینها نشانه‌ی گمراهی است.

می‌خواهم این قضیه‌ را توضیح دهم که‌ برخی از نویسندگان وصف ایمان را بر همه‌ی کسانی که‌ به‌ وجود خدا وخالقیت او اعتراف نموده‌اند اطلاق کرده اند، هرچند که‌ او را عبادت ننمایند و از منهج او پیروی نکنند، و این خطا و اشتباهی واضح و آشکار است، زیرا ایمان دارای حد و مرزی مشخص و نشانه‌هایی واضح می‌باشد، پس تنها کسی مؤمن خوانده‌ می‌شود که‌ طبق قرآن و سنت بدان چنگ فرا زند. و لذا هنگامی که‌ راجع به‌ ایمان از پیامبر سؤال می‌شود؟ در پاسخ فرمود:

**«أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله، واليوم الآخر، وتؤمن بالقدر خيره وشره»**[[14]](#footnote-14)

(ایمان این است که‌ به‌ وجود خدا، فرشتگان، حقانیت کتابها، پیامبران و به‌ حقانیت روز واپسین یقین داشته‌ باشی).

هر کس یکی از این ارکان پنجگانه‌ را نقض نموده و در مقابل آن کوتاهی ورزد مؤمن محسوب نمی‌شود، بنابر این ایمان تنها تصدیق وجود خداوند نیست و بس.

مسأله‌ دیگری که‌ می‌خواهم بیان دارم عبارت از: اسلوب قرآن در مجادله‌ با مشرکینی است که‌ به‌ وجود خدا اعتراف می‌کردند و او را همانند خالق، رازق، صاحب مرگ و زندگی، مدبر و متصرف می‌شناختند، اما همراه او دیگری را می‌پرستیدند و عبادت را تنها برای او انجام نمی‌دادند، بنابر این قرآن مسأله‌ی نخست را به‌ طور مفصل توضیح داده‌ تا از این طریق مسأله‌ی دومی را واجب گرداند، زیرا تنها کسی که‌ خالق، رازق و... است شایسته عبادت بوده و جز او احدی شایستگی احراز چنین مقامی را ندارد.

خداوند متعال پیرامون استدلال بر اینکه‌ تنها او استحقاق عبادت را دارد، خطاب به‌ مشرکین می‌فرماید:

ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﭼ الأنبياء: ٣٠ - ٣٣

(آيا كافران نمي‌بينند كه آسمانها و زمين (در آغاز خلقت به صورت توده عظيمي در گستره فضا، يكپارچه) به هم متّصل بوده و سپس (بر اثر انفجار دروني هولناكي) آنها را از هم جدا ساخته‌ايم (و تدريجاً به صورت جهان كنوني درآورده‌ايم) و هرچيز زنده‌اي را (اعم از انسان و حيوان و گياه) از آب آفريده‌ايم. آيا (درباره آفرينش كائنات نمي‌انديشند و) ايمان نمي‌آورند؟ما در زمين كوههاي استوار و ريشه‌داري پديد آورده‌ايم تا زمين انسانها را مضطرب نسازد و توازن آنان را به هم نزند (و كوهها از فشار گدازه‌ها و گازهاي دروني، و حركات پوسته زمين، و از وزش تند بادها، تا حدّ زيادي جلوگيري كنند)، و در لابلاي كوهها راههاي گشادي به وجود آورده‌ايم، تا اين كه (پيوند انسانها به وسيله سلسله جبالها از هم نگسلد و به مقصدشان) راهياب گردند (و با ديدن اين آثار به ذات آفريدگار پي ببرند). و ما آسمان را سقف محفوظي نموديم، ولي آنان از نشانه‌هاي (خداشناسي موجود در) آن روي گردانند (و درباره اين همه عظمتي كه بالاي سرشان جلوه‌گر است نمي‌انديشند). خدا است كه شب و روز و خورشيد و ماه را آفريده‌است و همه در مداري مي‌گردند (كه او براي آنهاتعيين كرده است)).

**سوم:** اینکه‌ از لابلای نصوصی که‌ راجع به‌ اسماء و صفات و افعال خدا بحث می‌رانند پروردگارمان را بشناسیم و از او اطلاع بیابیم، و این بهترین راهی است که‌ بندگان را به‌ خدا می‌رساند و به‌ نحو شایسته‌ای او را می‌شناسند، زیرا در دنیا خداوند دیده‌ و مشاهده‌ نمی‌شود، و کسی که‌ با تدبر و تأمل قرآن را مطالعه‌ نماید می‌بیند صفحات آن آکنده از خداشناسی و بحث از اسماء و صفات وی می‌باشد.

اندیشیدن در اسماء و صفات خدا و خواندن و تمجید او با اسماء و صفاتی که‌ برای خود قائل شده‌ بینش و درون انسان را زنده‌ می‌گرداند و آرامش و حیات را به‌ او باز می‌گرداند:

ﭽ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﭼ الرعد: ٢٨

(هان! دلها با ياد خدا آرام مي‌گيرند (و از تذكّر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و كسب رضاي يزدان اطمينان پيدا مي‌كنند)).

ﭽ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭼ الأعراف: ١٨٠

(خدا داراي زيباترين نامها است (كه بر بهترين معاني و كاملترين صفات دلالت مي‌نمايند. پس به هنگام ستايش يزدان و درخواست حاجات خويش از خداي سبحان) او را بدان نامها فرياد داريد و بخوانيد).

**چهارم:** معنی عبادت بسیار گسترده‌ و وسیع است، از این‌رو عبادتی که‌ به‌ ما دستور داده‌ شده‌ خدا را به‌ وسیله‌ی آن بخوانیم، کلمه‌ای است که‌ شامل شعارهای دینداری (عبادات)، اعمال قلبی(نیات) و سلوک و رفتار می‌آید، پس چنانکه‌ امروز رایج گشته، مراد از شریعتی که‌ به‌ ما دستور داده‌ شده‌ از آن پیروی نماییم تنها شعارهای دینداری (عبادات) نیست.

**پنجم:** برای توحید و یگانه‌‌پرستی اقرار به‌ وحدانیت خدا در ربوبیت (توحید اعتقادی) و الوهیت (توحید عملی) کافی نیست، بلکه‌ لازم است همراه آن نسبت به‌ طاغوتهایی که‌ در برابر خدا نصب شده‌اند و مورد پرستش واقع می‌شوند کفر ورزیده‌ شود، خداوند متعال می‌فرماید:

ﭽ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕﰖ ﭼ البقرة: ٢٥٦

(بنابراين كسي كه از طاغوت (شيطان و بتها و معبودهاي پوشالي و هر موجودي كه بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف كند) نافرماني كند و به خدا ايمان بياورد، به محكم‌ترين دستاويز درآويخته است (و او را از سقوط و هلاكت مي‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد).

عبادت بدین معنی نیست که‌ خدا را بستاییم و سپس با کفار و ستمگران صلح و آشتی نماییم، بلکه‌ کفر به‌ باطل و جنگ و مقابله‌ با او از صمیم ایمان است و نباید هیچگونه‌ سازشی با آنها را بکار گرفت.

**ششم:** مورد کینه‌ و دشمنی قرار دادن طاغوت و طاغوتیان؛ برخی از دعوتگران اسلامی معتقد هستند که‌ ما نسبت به‌ کافرین و فاسقین هیچ‌گونه‌ تنفر و کینه‌ای نداریم و خواهان خیر و برکت برای آنها هستیم، زیرا انسان مسلمان کینه توز نیست و نسبت به‌ کسی بغض و کینه‌ ندارد؛ اما باید بدانیم که‌ این کلمه‌ حاوی حق و باطل است: باطل از این‌رو که‌ معتقد هستند مسلمان نسبت به‌ کسی بغض و کینه‌ ندارد، و این سخنی نادرست و مردود است، زیرا خداوند به‌ ما دستور داده‌ که‌ نسبت به‌ شیطان، فرعون، ابوجهل و... نهایت نفرت و کینه‌ داشته‌ باشیم، اینها دشمنان خدا هستند و خداوند از آنها بیزار است و آنها را ناپسند می‌شمارد، و خداوند از ما خواسته‌ که‌ با دشمنانش دشمنی ورزیم و آنها را زشت و منفور بشماریم:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭼ المجادلة: ٢٢

(مردماني را نخواهي يافت كه به خدا و روز قيامت ايمان داشته باشند، ولي كساني را به دوستي بگيرند كه با خدا و پيغمبرش دشمني ورزيده باشند، هرچند كه آنان پدران، يا پسران، يا برادران، و يا قوم و قبيله ايشان باشند. چرا كه مؤمنان، خدا بر دلهايشان رقم ايمان زده است، و با نفخه رباني خود ياريشان داده است و تقويتشان كرده است).

و راجع به‌ محبت و ارتباط آنها ما را چنین هشدار می‌دهد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭼ

الممتحنة: ١

(اي مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خويش را به دوستي نگيريد. شما نسبت بديشان محبت مي‌كنيد و مودت مي‌ورزيد).

خداوند به‌ ما دستور می‌دهد به‌ ابراهیم و همراهانش تاجسی جسته و او را سرمشق و الگوی خود قرار دهیم:

ﭽ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﭼ الممتحنة: ٤

((رفتار و كردار) ابراهيم و كساني كه بدو گرويده بودند، الگوي خوبي براي شما است، بدانگاه كه به قوم خود گفتند: ما از شما و از چيزهائي كه بغير از خدا مي‌پرستيد، بيزار و گريزانيم، و شما را قبول نداريم و در حق شما بي‌اعتنائيم، و دشمنانگي و كينه‌توزي هميشگي ميان ما و شما پديدار آمده است، تا زماني كه به خداي يگانه ايمان مي‌آوريد و او را به يگانگي مي‌پرستيد).

لازم به‌ ذکر است که‌ این مسأله‌ در قرآن و سنت بسیار واضح و آشکار می‌باشد.

اما حقیقتی که‌ در سخنان آنها مشاهده‌ می‌گردد این است که‌ ما از این‌رو خواهان خیر و برکت برای ستمگران و کافران هستیم که‌ آنها را به‌ سوی ایمان دعوت می‌نماییم و خواهان مسلمان شدن آنها هستیم.

برادران و خواهران گرامی! شناخت خدا همراه با اسماء و صفاتش و توجهی شامل و گسترده‌ به‌ عبادت و پرستش او و دنبال کردن روشی که‌ در کتاب خود نازل کرده‌ و پیامبر ص آن ‌را تبیین نموده، تنها درمان شفای بیماریها و آلام بشریت است، و همچنین مایه‌ی طراوت روح و روان ما بوده و به‌ درون ما گرمی و روشنایی می ‌بخشد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭼ الشورى: ٥٢

(‏همان گونه كه به پيغمبران پيشين وحي كرده‌ايم، به تو نيز به فرمان خود جان را وحي كرده‌ايم (كه قرآن نام دارد و مايه حيات دلها است. پيش از وحي) تو كه نمي‌دانستي كتاب چيست و ايمان كدام، وليكن ما قرآن را نور عظيمي نموده‌ايم كه در پرتو آن هر كس از بندگان خويش را بخواهيم هدايت مي‌بخشيم).

خداوند وحی خود را روح و نور نامیده است، زیرا وحی به‌ روح و روان نور و روشنایی می‌بخشد و او را به‌ زندگانی حقیقی پیوند می‌دهد، انسان بدون این روح همانند حیوانات دفتر زندگی را ورق می‌زند، همچون سایر حیوانات می‌خورد و می‌نوشد و عمل شنیع هم جنس بازی را پیشه می کند.

اما روحی که‌ انسان را به‌ قله‌های کمال می‌رساند و امتیازاتی ویژه‌ را به‌ او ارزانی می دارد همان روحی است که‌ در هنگام ارتباط با وحی الهی جان و روان او را دربر می‌گیرد.

کسانی که‌ دارای این روح نیستند در واقع مرده‌ و بی‌جان می‌باشند هر چند که‌ در عالم زندگان وجود فیزیکی خود را اعلام بدارند. خداوند می‌فرماید:

ﭽ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﭼ الأنعام: ١٢٢

(آيا كسي كه (به سبب كفر و ضلال همچون) مرده‌اي بوده است و ما او را (با اعطاء ايمان در پرتو قرآن) زنده كرده‌ايم)

کافران و گمراهان مرده‌ و بی‌جان می‌باشند، و لذا خداوند به‌ وسیله‌ی وحی و کتاب خود به‌ او جان می‌دهد و او را زنده‌ می‌گرداند؛ و کسی که‌ خود را برای این دین خالص نگرداند دارای قلب و درونی بیمار است:

ﭽ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﭼ البقرة: ١٠

(در دلهايشان بيماري (حسودي و كينه‌توزي با مؤمنان) است و خداوند (نيز با ياري دادن و پيروز گرداندن حق) بيماري ايشان را فزوني مي‌بخشد)

تنها راه نجات از بیماری روح و روان دنبال کردن این دین آسمانی است، لازم به‌ یادآوری است که‌ پیامهای افرادی سرگردان و گم‌گشته‌ای همچون: انگلس، مارکس، سارتر، میشل عفلق و... هیچ‌گونه‌ نیرو و طراوتی به‌ روح و روان انسان نمی‌بخشند.

وحی خداوند نوری است که‌ پرده تاریکیهای جهل و کفر را پاره می کند:

ﭽ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﭼ الأنعام: ١٢٢

(آيا كسي كه (به سبب كفر و ضلال همچون) مرده‌اي بوده است و ما او را (با اعطاء ايمان در پرتو قرآن) زنده كرده‌ايم و نوري (از مناره ايمان) فرا راه او داشته‌ايم كه در پرتو آن، ميان مردمان راه مي‌رود (و چشم او را روشنائي، گوش او را شنوائي، زبان او را توان گفتار، و دست و پاي او را قدرت انجام كار مي‌بخشد).

ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭼ الشورى: ٥٢

(وليكن ما قرآن را نور عظيمي نموده‌ايم كه در پرتو آن هر كس از بندگان خويش را بخواهيم هدايت مي‌بخشيم).

خداوند برای نور هدایتی که‌ از کتاب خدا و سنت پیامبر ص گرفته‌ شده‌ و در قلب انسان مؤمن می‌درخشد، مثال بسیار زیبایی ذکر کرده و می فرماید:

ﭽ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﭼ النور: ٣٥

(خدا روشنگر آسمانها و زمين است (و او است كه جهان را با نور فيزيكي ستارگان تابان، و با نور معنوي وحي و هدايت و معرفت درخشان، و با شواهد و آثار موجود در مخلوقات فروزان كرده است). نور خدا، به چلچراغي مي‌ماند كه در آن چراغي باشد و آن چراغ در حبابي قرار گيرد، حباب درخشاني كه انگار ستاره فروزان است، و اين چراغ (با روغني) افروخته شود (كه) از درخت پربركت زيتوني (به دست آيد) كه نه شرقي و نه غربي است (بلكه تك درختي است در سرزمين باز و بلندي كه از هر سو آفتاب بدان مي‌تابد. به گونه‌اي روغنش پالوده و خالص است) انگار روغن آن بدون تماس با آتش دارد شعله‌ور مي‌شود. نوري است بر فراز نوري! (نور چلچراغ و نور حباب و نور روغن زيتون، همه‌جا را نورباران كرده‌اند. به همين منوال هم نور تشريعي وحي و نور تكويني هدايت و نور عقلاني معرفت پرده‌هاي شكّ و شبهه را از جلو ديدگان همگان به كنار زده، و جمال ايزد ذوالجلال را بر در و ديوار وجود به تجلّي انداخته‌اند. امّا اين چشم بينا و دل آگاه است كه مي‌تواند ببيند و دريابد). خدا هر كه را بخواهد به نور خود رهنمود مي‌كند (و شمعك نور خرد را به چلچراغ نور اَحَد مي‌رساند و سراپا فروزانش مي‌گرداند). خداوند براي مردمان مثلها مي‌زند (تا معقول را در قالب محسوس بنماياند و دور از دائره دريافت خرد را - تا آنجا كه ممكن است، با كمك وحي و در پرتو دانش‌ - به خرد نزديك نمايد) و خداوند آگاه از هر چيزي است (و مي‌داند چگونه مخلوق را با معبود آشنا گرداند)).

این مثالی است که‌ خداوند برای نور خود در قلب انسان مؤمن ذکر کرده‌، خداوند این نور را به‌ چراغ، و قلب انسان مؤمن را نیز به‌ حباب تشبیه‌ نموده‌ است، و شریعتی که‌ قلب انسان نور خود را از آن می‌جوید به‌ روغن صاف و پاکیزه‌ و معتدلی تشبیه‌ نموده‌ که‌ پالوده‌ و خالص است؛ پس بدون شک نور و روشنایی که‌ این‌گونه‌ بنیان شده‌ باشد نوری درخشان و تابنده‌ می‌باشد (نوري است بر فراز نوري!) اما تنها کسانی می‌توانند به‌ این نور دست یابند که‌ خدواند آنها را انتخاب نموده‌ است:

ﭽ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﭼ[[15]](#footnote-15)

برای اینکه‌ به‌ این نور ربانی و ایمانی دست یابیم لازم است خدای یگانه‌ را به‌ عنوان یارو یاور خود برگزینیم و از ایدئولوژیهای گمراه و کافرانه‌ی کمونیستی، سرمایه‌داری و ملی‌گرایی سرباززنیم و روی برتابیم و به‌ منهج و آیین پروردگارمان رویی آوریم، در غیر این‌صورت تمامی مذاهب و برنامه‌های بشری، انسان را از یک تاریکی و گمراهی به تاریکی و گمراهی دیگری گرفتار می سازند:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭼ البقرة: ٢٥٧

(خداوند متولّي و عهده‌دار (امور) كساني است كه ايمان آورده‌اند. ايشان را از تاريكي‌هاي (زمخت گمراهي شكّ و حيرت) بيرون مي‌آورد و به سوي نور (حق و اطمينان) رهنمون مي‌شود. و (امّا) كساني كه كفر ورزيده‌اند، طاغوت (شياطين و داعيان شرّ و ضلال) متولّي و سرپرست ايشانند. آنان را از نور (ايمان و فطرت پاك) بيرون آورده به سوي تاريكيهاي (زمخت كفر و فساد) مي‌كشانند. اينان اهل آتشند و در آنجا جاويدانه مي‌مانند).

برادران و خواهران گرامی! کسانی که‌ امروز در پرتو نور اسلام زندگی می‌کنند دارای نفس و روانی پر از عزت و چشم و بینشی روشن و تابناک هستند، آنها حقیقت و هدایت را یافته‌اند و با اصول و ایدئولوژیهای باطل و گمراه کننده‌ به‌ جنگ و ستیز پرداخته‌اند؛ آنها در عالم برزخ و دنیای آخرت نیز با همان نور و روشنایی مسیر حرکت خود را ادامه‌ می‌دهند، اما کسانی که‌ از این نور محروم مانده‌اند و دنیا را همراه با ظلمات و تاریکیهای عقاید و افکار و اندیشه هایی سپری می‌کنند که‌ فکر منحرف انسانی آن را ابداع نموده‌ است، در آینده‌ با یک زندگانی سخت و پر مشقت مواجه‌ می‌شوند و در حالی اعلام پشیمانی می‌کنند که‌ پشیمانی سودی ندارد. خداوند سبحان حال و وضع هر کدام از این دو دسته‌ در سرای آخرت را برای ما چنین تصویر می‌کشد:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﭼ (الحديد: ١٢- ١٧)

(روزي مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهي ديد كه (به سوي بهشت حركت مي‌كنند و) نور (ايمان و اعمال خوب) ايشان، پيشاپيش آنان و در سمت راستشان در تلألؤ و درخشش است (و فرشتگان بديشان مبارك‌بادي مي‌گويند و مي‌فرمايند:) مژده باد! كه امروز به بهشتي درمي‌آئيد كه در زير (كاخها و درختان) آن، رودبارها جاري است و جاودانه در آنجا بسر مي‌بريد و مي‌مانيد. پيروزي بزرگ و رستگاري سترگ، اين است (خوش باشيد). روزي مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان مي‌گويند: (با شتاب به سوي بهشت حركت نكنيد و) منتظرمان بمانيد تا از نور شما فروغ و پرتوي (به ما بتابد و از آن) استفاده كنيم! بديشان گفته مي‌شود: به عقب برگرديد (و مجدّداً به دنيا برويد) و نوري به دست بياوريد! در اين حال ناگهان ديواري ميان آنان زده مي‌شود كه دري دارد. داخل آن (كه به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (كه بهشت و نعمت سرمدي است) و خارج آن (كه به طرف منافقان است) رو به عذاب است (كه دوزخ و نقمت ابدي است). منافقان، مؤمنان را فرياد مي‌دارند، مگر ما (در دنيا) با شما نبوديم‌؟ مي‌گويند: بلي! وليكن (با نفاق) خويشتن را گرفتار بلا كرديد، و چشم به راه (مرگ پيغمبر، و نابودي مسلمانان، و برچيده شدن اسلام) مانديد و (درباره حقانيت دعوت پيغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخيز) شك و ترديد ورزيديد، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا اين كه فرمان خدا (دائر بر مرگتان) در رسيد و اهريمن (بدكاره و نفس امّاره) فريبكار، شما را درباره خدا فريب داد. پس امروز، هم از شما، و هم از كافران، عوضي و غرامتي پذيرفته نمي‌شود. جايگاه شماها آتش دوزخ است. دوزخ سرپرستتان است (و پناهگاهي جز آن نداريد) و چه بد سرنوشتي و چه بد جايگاهي است! آيا وقت آن براي مؤمنان فرا نرسيده است كه دلهايشان به هنگام ياد خدا، و در برابر حق و حقيقتي كه خدا فرو فرستاده است، بلرزد و كرنش برد؟ و آنان همچون كساني نشوند كه براي آنان قبلاً كتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولاني بر آنان سپري گشته است، و دل‌هايشان سخت شده است، و بيشترشان فاسق و خارج (از حدود دين خدا) گشته‌اند. بدانيد كه خداوند زمين مرده را زنده مي‌كند. ما آيه‌ها را براي شما (با ذكر مثالها) روشن مي‌گردانيم و بيان مي‌داريم، تا اين كه شما (مطالب و مقاصد آنها را) فهم كنيد).

در پایان از خدا می‌خواهم شما را توفیق دهد، گام‌های استواری را به‌ شما عطا فرماید، پاداشی نیک و کامل را به شما ارزانی بخشد، شما را وسیله‌ی باز کردن درهای خیر و بستن درهای شر قرار دهد و به‌ وسیله‌ی شما همه‌ی بندگان و شهرهای این مرز و بوم مشمول خیر و برکت واقع شوند و به‌ شما حضار محترم اجر و پاداش عطا فرماید.

ﭽ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﭼ الصافات: ١٨٠ – ١٨٢

(پاك و منزّه است خداوندگار تو از توصيفهائي كه (مشركان درباره خدا به هم مي‌بافند و سر هم) مي‌كنند، خداوندگار عزّت و قدرت. درود بر پيغمبران! ستايش، يزدان را سزا است كه خداوندگار جهانيان است(.

1. - آل عمران: ١٠٢ [↑](#footnote-ref-1)
2. - النساء: ١ [↑](#footnote-ref-2)
3. - الأحزاب: ٧٠ - ٧١ [↑](#footnote-ref-3)
4. - انگلستان [↑](#footnote-ref-4)
5. - محمد اسد قبل از اسلام لبوبلد فایس نام داشتند، ایشان یهودی تبار و از قبیله‌ی نمسا بودند. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الرعد: ٢٨. [↑](#footnote-ref-6)
7. - الأنعام: ١٦٢ – ١٦٣. [↑](#footnote-ref-7)
8. - الأحزاب: ٧٢ [↑](#footnote-ref-8)
9. - الأنبياء: ٢٥ [↑](#footnote-ref-9)
10. - النحل: ٣٦ [↑](#footnote-ref-10)
11. - طه: ١٤ [↑](#footnote-ref-11)
12. - الذاريات: ٥٦ - ٥٨ [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح بخاری. حدیث شماره‌ (5538) از کتاب مشکاة المصابیح ج 3 ص: 58 [↑](#footnote-ref-13)
14. صحيح إمام مسلم [↑](#footnote-ref-14)
15. - به‌ تفسیر ابن کثیر در خصوص این آیه مراجعه‌ شود. [↑](#footnote-ref-15)